

**The effect of religious identity on cultural compatibility among ethnicities
immigrated to Najaf Abad**

Abstract

In this survey, the researchers aim to answer to this question that "if religious identity, as one of the social functions of religion, could have a positive influence on cultural compatibility of immigrant ethnicities". To answer this question, firstly, the writers come to this conclusion using theoretical design of cultural pluralism that in order to make cultural compatibility, it is required that common values provided within a common identity and this common identity given based on religion. In order to evaluate the main question of this research measuring method and questionnaire tools were utilized and the data also collected from a 212 sample population. Using SPSS and AOMS software, the data were provided within the test of descriptive and analytical tables based on correlation matrix. The results of this research indicate the positive and significant effect of religious identity on cultural compatibility among ethnicities. More results of this research include the effect of age and the years of residence on cultural compatibility.

Key words: cultural compatibility, ethnicity, religious identity, modern identity, cultural pluralism

تأثیر هویت دینی بر روی سازگاری فرهنگی در میان قومیت‌های مهاجر به منطقه نجف آبادوجیهه طالب نجف آبادی^۱اصغر محمدی^۲سید علی هاشمیان فر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳/۷/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۲/۶/۱۴۰۱

چکیده

در این پژوهش محققین به دنبال پاسخ به این سوال هستند که «آیا هویت دینی به عنوان یکی از کارکردهای اجتماعی دین، می‌تواند بر روی سازگاری فرهنگی اقوام مهاجر تأثیر مثبت بگذارد؟». برای پاسخ به این سوال ابتدا نویسندگان با طرح نظری تکثر فرهنگی به این نتیجه می‌رسند که برای ایجاد سازگاری فرهنگی نیاز است که ارزش‌های مشترکی در قالب هویت مشترک ارائه گردد و این هویت مشترک بر مبنای دین ارائه می‌شود. برای سنجش سوال اصلی این تحقیق از روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از جامعه نمونه به حجم ۲۱۲ نفر شده است و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AOMS اطلاعات در قالب آزمون جداول توصیفی و استنباطی بر پایه ماتریس همبستگی ارائه شده است. نتیجه این تحقیق بیان‌کننده تأثیر مثبت و معنادار هویت دینی بر روی سازگاری فرهنگی در میان اقوام مهاجر است. از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به تأثیر سن و میزان سال‌های سکونت بر روی میزان سازگاری فرهنگی اشاره نمود.

کلیدواژه: سازگاری فرهنگی، قومیت، هویت دینی، هویت مدرن، تکثرگرایی فرهنگی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. taleb1387@gmail.com

^۲ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول) asghar.mo.de@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. seyedalihashemianfar@yahoo.com

یکی از ویژگی‌های جدید جوامع در دوران معاصر، ایجاد بنایی نوین در قالب مفهوم «دولت-ملت» است. در دوران سنتی و ابتدایی چندان نمی‌توان سراغی از این مفاهیم با معانی امروزی آن یافت. با ایجاد «دولت-ملت‌ها» مسائل خاموشی که چندان در گذشته مطرح نبود، به یک باره خود را نشان داد. دولت-ملت فرایندی بود که گروه‌های مختلف قومی و محلی را در قالب یک سرزمین و به مثابه یک هویت واحد مورد شناسایی قرار می‌داد؛ ولی آن چه که مشخص بود این نکته است که این فرایند دولت-ملت‌سازی نوعی ارائه جعلی هویت یگانه از میان تکتگر گسترده در قالب یک سرزمین بود؛ چرا که بسیاری از دولت-ملت‌های جدید عملاً فاقد یک هویت یکسان بودند و چه بسا از هویت‌های فرهنگی گوناگونی تشکیل یافته بودند که پس از گذشت زمانی از جعل هویت واحد دولت-ملت، این تفاوت‌ها در قالب انواع منازعات خود را نشان می‌داد. تفاوت‌هایی که حاصل تفاوت در زمینه، زبان، دین، فرهنگ متفاوت ساکنان یک دولت-ملت بودند. این مسئله در نهایت دولت-ملت‌ها را به سمت ارائه راهکارهایی جدیدی برد که از یک سو بتوانند هم تمامیت ارضی خود را حفظ نمایند و هم دیدگاه‌های مختلف قومی را مورد لحاظ قرار دهند و فرایندی را در قالب سازگاری فرهنگی ایجاد نمایند.

این مسئله در ایران هم به مانند بسیاری از دیگر کشورهای جهان با تغییر فرایند سیاسی و ایجاد یک دولت-ملت واحد در قالب یک سرزمین کهن به وجود آمد. جامعه ایران، را می‌توان یک جامعه چند فرهنگی و به تبع آن یک جامعه چند قومیتی نامید. این قومیت‌ها در طول تاریخ تمدنی ایران در کنار یکدیگر به زیست پرداخته‌اند؛ اما با ایجاد فضای جدید دولت-ملت‌سازی مدرن نوع ارتباط این قومیت‌ها به گونه‌ای جدیدتر تعریف گردید و ارتباط این گروه‌ها با یکدیگر با توجه به تعریف هویت ملی تفاوت پیدا نمود و شاید بتوان گفت که تعارضات فرهنگی میان این اقوام با ابعاد مفهومی خاصی از هویت فرهنگی در دوران معاصر به نوعی گسترش یافت، تا جایی که برخی از مسئولین عالی اجرایی کشور خواهان ارائه رویکردی نو نسبت به قومیت‌ها در ایران شدند (میرزایی، ۱۳۹۹).

همین مسائل بود که موجب گردید در این نوشتار به دنبال ارائه نگاهی نو در زمینه بررسی فرایند سازگاری فرهنگی در میان قومیت‌ها بپردازیم و سعی نماییم از متغیر دین به عنوان متغیری مستقل که می‌تواند در فرایند سازگاری فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد، نام ببریم. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا میان سازگاری فرهنگی قومیت‌ها و کارکرد اجتماعی دین ارتباطی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال، در پژوهش پیش رو در منطقه‌ای به انجام رسیده است که در آن گروه‌های قومی مختلف هم چون، لر، عرب، گرج و به نسبت کمتر برخی از قومیت‌های خاص مانند ترک‌ها در میان جمعیت بزرگی از فارس‌ها ساکن هستند. نحوه تعامل این گروه‌ها با یکدیگر کمترین حالت ناسازگاری را به لحاظ فرهنگی نشان می‌دهد؛ از این رو سعی شده است که این فرایند به نسبت سازگار فرهنگی در قالب تاثیر متغیر کارکرد اجتماعی دین (هویت دینی) مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

در قالب تأثیر دین در فرایند سازگاری فرهنگی اغلب مطالعاتی که در غرب به انجام رسیده است بیان کننده این نکته است که دین یک عامل کلیدی در ناسازگاری فرهنگی بوده است و در بسیاری از موارد به عنوان عامل بحران‌زا شناخته شده است (فیوشت و رپستا، ۱۳۹۷)؛ اما باید به این نکته در این جا اشاره کرد که

در بسیاری از مواردی که این تحقیقات نشان دهنده ایجاد ناسازگاری فرهنگی هستند، بیشتر باید توجه را بر ارتباط میان فرقه مذهبی گذاشت و نمی‌توان مفهوم کلی دین و دینداری را، آن هم در جامعه سکولار غرب، موجب ایجاد چنین تضادهای و کشمکش‌هایی دانست. با توجه به این نکات در این جا به تعدادی از پژوهش‌ها که پیرامون سازگاری فرهنگی و دین پرداخته‌اند می‌پردازیم.

در یک مطالعه با عنوان «آیا آموزش میان فرهنگی در تحصیلات عالی بر افزایش سازگاری فرهنگی تأثیر دارد؟» در این مقاله سیت و همکارانش به دنبال آن هستند که نشان دهند که آیا آموزش میان فرهنگی (CCT) بر میزان سازگاری فرهنگی تأثیر دارد یا خیر. این مطالعه نشان می‌دهد که این نوع آموزش‌ها در مراکز آموزش عالی و به ویژه در سطح کارشناسی ارشد موجب می‌شود که افراد با داشتن قومیت‌ها و فرهنگ‌های بسیار متفاوت به لحاظ رفتاری و شناختی به شدت به سازگاری فرهنگی به دیگر افراد دست یابند (Sit et al, 2017).

در یک پژوهش با عنوان «زمینه‌های پذیرش مهاجر با توجه به وضعیت مذهبی: مطالعه موردی مسلمانان اروپای غربی»، محقق به این مسئله پرداخته است که وضعیت دینی و دینداری در جامعه میزبان مهاجران مسلمان و وضعیت دینی مهاجران مسلمان چه تأثیری را بر سازگاری فرهنگی می‌گذارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به هر میزان دینداری و عمل دینی مسلمانان کمتر باشد میزان پذیرش آنان از سوی جامعه میزبان بیشتر است و این یافته با وضعیت مهاجران پروتستان در قرن ۱۹ به آمریکا که با شور و استقبال از سوی جامعه میزبان همراه بوده به طور کلی متفاوت است (Connor, 2010).

شاید از ابتدایی‌ترین مطالعاتی که در دوران معاصر پیرامون قومیت و سازگاری فرهنگی انجام یافته است باید به کار دکتر ناصر فکوهی استاد دانشگاه تهران در زمینه قوم‌شناسی سیاسی اشاره کرد. دکتر فکوهی در قالب کتابی با عنوان «هم‌سازی و تعارض در هویت و قومیت» به بررسی چالش‌های پیش روی دولت در ایران در پیرامون قومیت‌ها پرداخته است و سعی کرده است بر اساس تحقیقاتی که طی یک دهه به انجام رسانده است وضعیت برخی از قومیت‌های داخلی را نسبت به دولت نشان دهد. فکوهی در این پژوهش بیشتر بر عوامل تفاوت‌گذار میان هویت قومی و هویت ملی پرداخته است و چندان به عامل خاصی برای سازگاری فرهنگی اشاره نکرده است هر چند که عوامل مؤثر بر ناسازگاری محلی را مورد توجه قرار داده است و به صورت بسیار کلی به عنصر زبان فارسی به عنوان عامل سازگاری فرهنگی اشاره کرده است (فکوهی، ۱۳۸۹).

در پژوهشی که حرمتی‌زاد، با عنوان «برخی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری فرهنگی قومیت‌ها با فرهنگ عمومی جامعه که با هدف سازگاری فرهنگی قومیت‌ها با فرهنگ عمومی جامعه و برخی عوامل اجتماعی مرتبط با آن» انجام داده است. محقق با استفاده از روش پیمایش و از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی، در بین ۳۸۷ نفر از دانشجویان دختر و پسر دو قومیت کرد و ترک دانشگاه‌های الزهرا، تهران و شهید بهشتی به این نتیجه رسیده است که میانگین سازگاری فرهنگی دانشجویان دو قوم کرد و ترک پایین‌تر از حد متوسط (۴۲/۵۰) است. از میان عوامل مرتبط با سازگاری فرهنگی قومیت‌ها، نگرش به هویت قومی خود رابطه‌ای مستقیم و معنادار با سازگاری فرهنگی دارد و ارتباطات اجتماعی با سایر افراد رابطه‌ای مستقیم و معنادار با سازگاری فرهنگی دارد (حرمتی‌زاد، ۱۳۹۴).

یکی از پژوهش‌های اخیر که به مسئله قومیت پرداخته است، پژوهشی است که توسط دکتر میرزایی با عنوان «ناسیونالیسم و قومیت در ایران (مطالعه‌ای تجربی)» به انجام رسیده است. هر چند در این پژوهش به

صورت صریح از مفهوم سازگاری قومی سخنی به میان نیامده است ولی نگارنده سعی کرده است عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را که باعث سازگاری و یا تفاوت میان ملیت و قومیت می شود را بررسی نماید. یکی از یافته‌های بسیار اساسی این تحقیق این نکته است که میان دین و ناسیونالیسم دولتی از دیدگاه قومیت‌های مختلف تفاوت وجود دارد. محقق معتقد است که باید این تفاوت را که میان دانشجویان شیعی مذهب و سنی مذهب است با احتیاط تفسیر نمود و نیاز است که در یک پروژه تحقیقاتی به صورت خاص به آن پرداخت (میرزایی، ۱۳۹۹).

آن چه که مشخص است چندان تحقیقاتی چه در داخل و چه در خارج کشور پیرامون تأثیر دینداری بر روی سازگاری فرهنگی انجام نشده است و بیشتر دین و دینداری به عنوان یکی از متغیرهای فرعی بعضاً در مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است و از این رو این تحقیق به نوعی یک جنبه نوآورانه در زمینه سازگاری فرهنگی با توجه به تأثیر دین ارائه می دهد.

سازگاری فرایندی است در حال رشد و پویا که شامل توازن بین آنچه افراد می‌خواهند و آنچه جامعه‌شان می‌پذیرد. به عبارت دیگر سازگاری یک فرایند دو سویه است، از یک طرف فرد به صورت مؤثر با اجتماع تماس برقرار می‌کند و از طرف دیگر اجتماع نیز ابزارهایی را تدارک می‌بیند که فرد از طریق آن‌ها توانایی‌های بالقوه‌ی خویش را واقعیت می‌بخشد (خدایاری فرد و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۶۳). این شرایط انطباق و سازگاری برای گروه‌های قومی که در معرض چالش‌های بین فرهنگی قرار گرفته‌اند مهم تلقی می‌شود. مفهوم قومیت در سال‌های اول دهه ۱۹۷۰ در قرن بیستم توسط واکر کونور ابداع گردید، از این رو در ساحت علوم انسانی و به صورت خاص علوم اجتماعی یک مفهوم نو محسوب می‌گردد و تلقی از این مفهوم همواره با گسترش و تغییر در زمینه‌های مطالعاتی پیرامون آن، تغییر نموده است. در نگاه برخی از جامعه‌شناسان معاصر مفهوم قومیت یک مفهوم اساساً اجتماعی است و به حوزه‌ای از رفتارها و انگاره‌های خاص فرهنگی اشاره دارد که موجب جدایی یک اجتماع انسانی از دیگر اجتماعات می‌شود. افرادی که عضو یک گروه قومی هستند، خود را به دلیل داشتن فرهنگی خاص، متمایز با دیگر گروه‌های جامعه می‌دانند و از سوی دیگر این تمایز از سوی دیگر افراد نیز در مورد این گروه قومی صدق می‌کند و یا به بیان دیگر این تمایز از سوی دیگر گروه‌ها به رسمیت شناخته می‌شود. البته باید به این نکته توجه کرد که مؤلفه‌هایی مانند زبان، تاریخ،... عناصر فرهنگی قومی هستند که قابل آموزش می‌باشند (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۹). قومیت در این نوشتار بر اساس تعریف بسیط آن به احساس ذهنی تعلق به گروه معنا می‌شود که هم روایت نگاه نژادی و هم روایت گروه‌های قومی - تنی‌را پوشش می‌دهد (ویمر، ۱۳۹۶: ۳۰-۳۱).

در این نوشتار به صورت خاص از دو نظریه استفاده می‌گردد. در یک سو نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه دیگر نظریه تکثر فرهنگی. دیدگاه کنش متقابل نمادین در رابطه با سازگاری فرهنگی اگرچه روشن نیست اما به خوبی می‌توان آن را، در دو سنت برآمده از آن، تبیین کرد. نظریه کنش متقابل نمادین از مکتب شیکاگو نشأت گرفته است؛ اما از دو سنت تجربی - تجویزی و تئوریک و نظری متفاوت این مکتب خلق شده است. در سنت تئوریک و نظری بر حوزه معرفت‌شناسی و تشریح مفاهیمی چون خود، درک و نمادهای معنی‌دار و در سنت تجربی - تجویزی بر اکولوژی انسانی تأکید شده است (ادگار و سیچ ویک، ۱۳۸۹: ۱۶۰). در سنت تجربی مکتب شیکاگو اگرچه رویکرد کنش متقابل نمادین به طور بنیادین مطرح نشد اما جامعه‌شناسان آن چون ویرث (۱۹۴۵)، پارک (۱۹۶۹)، توماس (۱۹۶۹)، فات (۱۹۷۸) و... ابژه‌های مورد مطالعه‌شان را سوژه‌هایی بدون قابلیت تفکر می‌دانستند که می‌توان در مجاری روزمره‌شان برای آن‌ها تصمیماتی منطقی اتخاذ کرد. این گروه، افراد را در مقام خالقان آگاهی می‌دیدند که محیط فیزیکی و اجتماعی که در آن زیست می‌کنند آن‌ها را شکل داده است. با توجه به اینکه در این سنت غالباً به موضوعات زندگی شهری و تأثیرات شهری شدن و صنعتی شدن بر روابط گروهی روزمره پرداخته شده است اما پایه تحقیقات بر مهاجرت پیوسته و تأثیرات آن بر ساختار اجتماعی و آرایش فیزیکی، فضایی و قومی بوده که شهر را تغییر داده است. از دید جامعه‌شناسان این سنت شهرهای کلان "دیگ‌های مخلوط کن" هستند که در آن مهاجران درگیر معانی جدید اجتماعی در کنش متقابل روزمره با افراد و گروه‌های مختلف می‌شوند. از دید نظریه پردازان این سنت، مهاجران در جریان خلق معانی جدید تمامی اختلاف‌های فرهنگی که با خود به شهرهای کلان می‌آورند به

تدریج در فرآیند تطبیق و همگون‌سازی حل می‌کنند(مالشویچ، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۱). در فرآیند خلق معانی جدید فرآیندی از سازگاری نیز به وجود می‌آید به این معنا که در کنش متقابل قومیت‌ها به تجارب گروهی و فردی خاصی دست می‌یابند و به نوعی تقدم عاملیت بر ساختار اهمیت می‌یابد، به این معنا که گروه‌های قومی مهاجر ساختارهایی چون ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را به همراه دارند اما در کنش‌های جدید خود، معانی جدیدی می‌سازند که نه تنها بر خلاف جامعه میزبان نمی‌باشد؛ بلکه مفاهیم ساختاری جامعه میزبان را در قالب مفاهیم جدید به طوریکه همسو با جامعه میزبان باشد، درک می‌کنند و در انتها به نوعی سازگاری فرهنگی دست می‌یابند. در مقابل اگر شکل‌گیری معانی جدید همسو با قالب ساختار فرهنگی جامعه میزبان نباشد منجر به عدم سازگاری و تنش‌های فرهنگی و ناهنجاری می‌شود. رویکرد فرهنگ‌پذیری به عنوان یک چارچوب مطالعه‌ی قومیت‌ها تنها با عضویت گروهی در طول زمان امکان‌پذیر می‌شود. به عبارتی بهتر مفهوم فرهنگ‌پذیری با نگرش‌های فرهنگی، ارزش‌ها، رفتارهایی که در تمایز بین دو فرهنگ متفاوت مشخص می‌شوند، قابل فهم است. در این رویکرد بیش‌تر بر این تأکید می‌شود که چگونه گروه‌های مهاجر و مسلط با یکدیگر مربوط می‌شوند یا به عبارتی، چگونه خرده‌گروه‌ها با جامعه‌ی بزرگ‌تر منطبق می‌گردند. در این رویکرد دو روش دنبال شده است: مدل تک بعدی که بر ارتباط و اثرگذاری بزرگ‌تر و قوی‌تر با گروه کوچک‌تر تمرکز دارد بر طبق مدل یک سویه، فرهنگ‌پذیری فرآیند خطی است. فرض مبنای مدل یک سویه آن است که افراد در حال فرهنگ‌پذیری در طول زمان ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های فرهنگی جامعه میزبان را اقتباس می‌کنند. مدل بعدی که فرهنگ‌پذیری را دو سویه می‌داند و بر ارتباط فرهنگ قومی و سنتی و روابط متقابل در فرهنگ مسلط و قومی تأکید می‌کند. بر طبق این مدل، هویت قومی حتماً به صورت یک امر منفرد و خاص شناخته نمی‌شود، بلکه امکان دارد در قالب هویت‌های گوناگون تشکیل گردد که ممکن است تفاوت‌های گوناگونی از نظر هم‌ذات‌پنداری میان دو گروه قومی و یا میان گروه قومی و اکثریت جامعه شکل گیرد و از همین رو است که عده‌ای از محققین معتقدند که ممکن است نوعی دوگانگی هویت در میان اقوام شکل گیرد و در این حالت به صورت همزمان در فعالیت هر دو فرهنگ شرکت نمایند؛ به عبارت دیگر فرهنگ قومی و فرهنگ جامعه‌ی وسیع‌تر، بدون آنکه حتی افراد تضادی را تجربه کنند یا حس هویت فرهنگی‌شان را از دست بدهند، عملی و امکان‌پذیر است (حرمتی زاد، ۱۳۹۴). به اعتقاد بری در همه جوامع متکثر، گروه‌های فرهنگی و اعضای آن چه در موقعیت‌های مسلط باشند، چه نباشند، با این مسئله مواجه‌اند که چگونه فرآیند فرهنگ‌پذیری را دنبال کنند. معمولاً استراتژی‌های (راهبردهای) فرهنگ‌پذیری با توجه به دو موضوع توسط گروه‌ها و افراد در مواجهه‌ی روزانه‌شان با یکدیگر طراحی می‌شوند. این موضوعات عبارتند از:

۱. حفظ فرهنگی (تا چه حد هویت قومی و خصایص فرهنگی اهمیت دارد و تلاش جهت حفظ آنها لازم است؟)

۲. تماس و مشارکت (تا چه میزان باید در گروه‌های فرهنگی دیگر درگیر شد؟) (Berry et al, ۲۰۰۲: ۴۵).

به غیر از نظریه کنش متقابل نمادین و دیدگاه خاص آن در مورد فرهنگ‌پذیری می‌توان از نظریه تکثر فرهنگی در حوزه سازگاری فرهنگی نام برد که می‌تواند به نوعی در جهت تکمیل نظریه کنش متقابل نمادین، از آن استفاده نمود.

این نظریه که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد بیان کننده این نظر است که نحوه مواجه دولت‌ها با قومیت‌ها مانند نحوه مواجه دولت‌ها با مذهب است. بر اساس این نظریه هم چنان که کلیسا و مذهب از دولت جدا شده است و افراد آزاد هستند در زندگی خصوصی خود به آن بپردازند و ارتباطی هم با دولت ندارد، هویت قومی هم امری است که فردی می‌باشد و به دولت ارتباطی نمی‌یابد و دولت نباید در آن مداخله نماید و یا زمینه مطرح شدن آن را فراهم کند (Glazer, 1975). بر این اساس دولت نه توانایی اعطای هویت قومی را به افراد دارد و نه می‌تواند هویت قومی آنان را سلب نماید و افراد دارای هویت قومی نیز تا جایی که حقوق دیگران را مورد تعرض قرار ندهند می‌توانند از آزادی رفتار قومی برخوردار باشند و فراغ از رفتار تبعیض آمیز و تعصب آلوده دیگر گروه‌ها به حفظ میراث هویتی خود اقدام نمایند (Rorty, 1991). در این نظریه، منشا هویت قومی، در یک سرزمین از دو امر کاملاً متفاوت می‌تواند نشأت بگیرد؛ الف) وجود سرزمین‌هایی که به صورت تاریخی از قومیت‌های مختلف تشکیل یافته‌اند و این قومیت‌ها بنا به دلایلی و بر اساس منافع، حاضر به اتحاد با یکدیگر شده‌اند و یک دولت را تشکیل داده‌اند ب) در حالت دوم قومیت‌های گوناگون از سرزمین‌های مختلف به یک کشور ثالث مهاجرت نموده‌اند (کیملیکا، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۸).

بر اساس همین منشا مختلف است که نحوه برخورد دولت‌ها با هویت‌های قومی نیز تفاوت می‌یابد. دولت مرکزی از قومیت‌هایی که به صورت تاریخی در کشور حضور داشته‌اند صرفاً حس وفاداری را می‌خواهد در صورتی که از مهاجران به سرزمین جدید می‌خواهد که با هویت مستقر ملی بجوشند و نوعی سازگاری فرهنگی صدر صدی را با آن به دست بیاورند (Reitz and Breton, 1994)؛ اما در بسیاری از کشورها که دارای ویژگی چند فرهنگی است علی‌رغم این که بحث سازگاری فرهنگی از طریق پذیرش هویت غالب مطرح می‌شود ولی به نوعی حقوق ویژه برای این گروه‌های قومی و فرهنگی قائل هستند. در حوزه نظریه تکثر فرهنگی این حقوق تمایزگذاری سه شکل کلی به خود می‌گیرد. ۱) حقوق در قالب خودگردانی، ۲) حقوق در قالب حقوق چند قومی و یا ۳) حقوق نمایندگی خاص است. در گونه اول (حقوق خودگردانی) بحث بر سر این است که کشورهایی که از قومیت‌های مختلفی تشکیل یافته است برای دوام و بقای خود باید به نوعی، به مطالبات گروه‌های قومی پاسخ دهند تا بتوانند آنان را به عنوان یک بخش وفادار به کشور حفظ نمایند؛ از این روی یکی از کارهایی که انجام می‌شود، دادن استقلال سیاسی و قضایی در حوزه منطقه‌ای است که این وضعیت، خود به وجود آورنده نوعی دولت فدرال است. در این صورت این مناطق قومی از نوعی استقلال محدود در حوزه‌هایی خاص برخوردار می‌شوند (Norman, 1994: 79-99). و از این روی در سازگاری فرهنگی با فرهنگ مسلط احساس تضعیف و محرومیت و از بین رفتن حقوق خود را نمی‌کنند.

دومین نوع حقوق تمایزگذارانه مربوط به حقوق چند قومی است؛ در دیدگاه نظریه تکثر فرهنگی، مهاجران از کشورهای مختلف در سرزمین مقصد خواهان اعطاء آزادی هستند که بتوانند در قالب آن بدون هیچ مانعی در زمینه اقتصادی و سیاسی، پیشرفت نمایند و در کنار آن بدون هیچ مانعی باورهای فرهنگی و مذهبی خاص خود را حفظ نمایند (Sandel, 1990: 74-92).

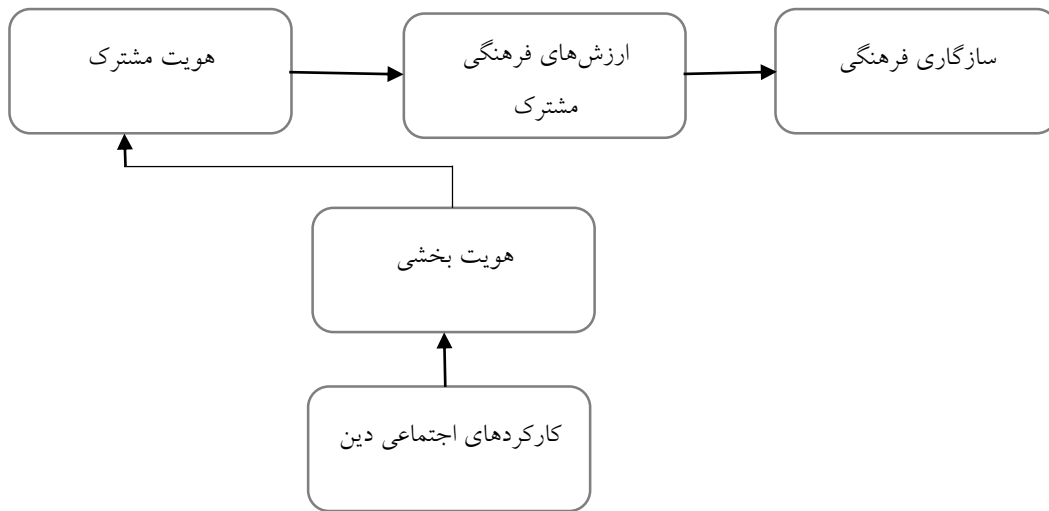
سومین نحوه برخورد با قومیت‌ها به بحث دادن حق نمایندگی خاص بر می‌گردد. گروه‌های قومی چون در بسیاری از موارد دارای تعداد بسیار کمی از لحاظ تعداد هستند، برای شنیده شدن صدایشان درخواست داشتن حق نمایندگی را در مراکز و سازمان‌های قانون‌گذاری دارند. این نگاه به نوعی بازنمایی کلی فرایند حاکم بر نظام‌های سیاسی در قالب دموکراسی را ارائه می‌دهد و بر دادن حق نمایندگی برای گروه‌های اقلیت در جامعه

تأکید دارد (کیملیکا، ۱۳۹۸: ۷۳-۷۵). به صورت کلی در بسیاری از کشورها امروزه، سعی شده است که به صورت همزمان از دو مکانیزم، از مکانیزم‌های نام برده شده در بالا درباره قومیت‌ها و گروه‌های مهاجر استفاده شود. با توجه به قائل شدن این گونه حقوق برای اقلیت‌ها و قومیت‌ها، انتظار می‌رود که جامعه به نوعی سازگاری فرهنگی دست پیدا نماید؛ ولی مسئله مهمی که در این میان وجود دارد این نکته است که در این فرایند تکرگرای فرهنگی و دادن حقوق مختلف و به صورت‌های گوناگون به اقوام و مهاجرین، چگونه قرار است که فرایند سازگاری فرهنگی و ایجاد یک دولت-ملت متشکل اتفاق بیافتد. در این جا است که نظریه‌پردازان تکرر فرهنگی از مفهوم «هویت مشترک» رونمایی می‌کنند. این هویت مشترک بر مبنای مدارا، همکاری، مشارکت در فرایندهای سیاسی، خویش‌نهادی، مسئولیت‌پذیری و برخی دیگر از مولفه‌ها تشکیل می‌شود (Galston, 1991:220).

در این جا باید به یک مسئله اساسی توجه نمود و آن این است که بر خلاف تصور رایج گروه‌های قومی به دنبال ایجاد تمایز در جامعه برای خود با فرهنگ اصلی و هویت مرکزی نیستند، بلکه این گروه از ترس این که به واسطه فرهنگ خاص خود از جامعه طرد شود به دنبال به دست آوردن امتیازاتی است که از یک سو بتواند فرهنگ و هویت خود را، در جامعه حفظ نماید، و از سوی دیگر، بتواند در هویت مشترک جامعه نیز جذب شود و به عنوان یک بیگانه معرفی نگردد (Abu-Laban and Stasiulus, 1992:378). این هویت مشترک در قالب مفهوم ارزش‌های مشترک در جوامع غربی عرضه می‌شود. مفهوم ارزش‌های مشترک که برخی در حوزه سیاست و ارزش‌های سیاسی با قالب عدالت عرضه می‌کنند (Rawls, 1980:540). و یا در قالب ارزش‌های مادی و فرامادی، آن چنان که اینگلهارت به آن اشاره می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۹۴)، ارائه می‌گردد. اما آن چه که در جامعه‌های مانند جامعه ایران می‌تواند با توجه به تکرر فرهنگی و قومی به ایجاد هویت مشترک در قالب ارزش‌ها بیانجامد، ارزش‌های منبعث از دین است. شاید باید جامعه ایران را ابتدائاً یک جامعه دینی بدانیم که فرایند هویت مشترک آن بر مبنای یکتاپرستی و توحید بنا شده است و بر اساس مطالعات انجام شده پیرامون دین یکی از کارکردهای اجتماعی دین بحث هویت بخشی آن است (Ammerman, 2003:207-208).

بر این اساس دین سرچشمه دستورالعمل‌های اخلاقی و ارزشی است و این دستورالعمل‌ها برای حفظ انسجام اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ از این رو هویت دینی در حوزه بسیج مردم در کنار مقاومت در برابر حکومت‌های استبدادی، به عنوان عاملی در جهت آشتی ملی و همزیستی مدنی در میان اجزای مختلف جامعه نقش سازنده دارد (Sachedina, 2001:28). از همین رو است که در این تحقیق با توجه به مطالب بیان شده بحث سازگاری فرهنگی را با توجه به کارکردهای اجتماعی دین که موجب ایجاد هویت خاص در افراد می‌شود، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بر اساس مطالب ارائه شده در بخش نظری می‌توان مدل مفهومی این پژوهش را به این صورت ارائه داد:



شکل شماره (۱) مدل مفهومی پژوهش

۳. روش‌شناسی پژوهش

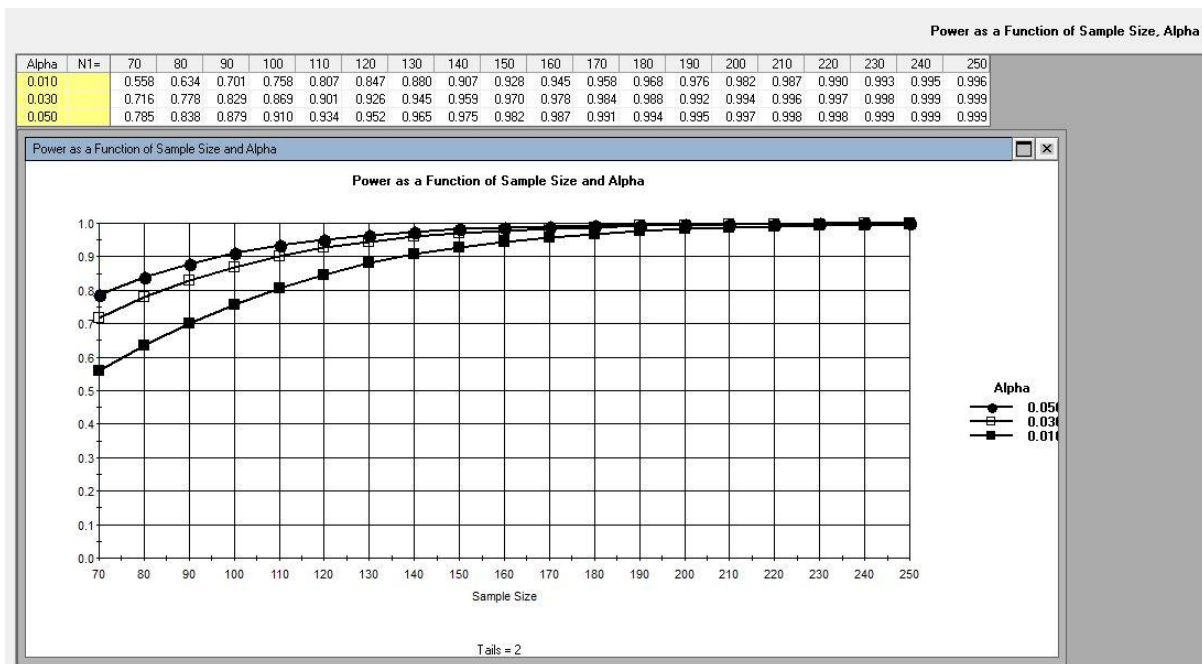
منظور از روش همان متدولوژی یا شیوه انجام پژوهش می‌باشد، روش‌های پژوهش را بر اساس معیارهای مختلفی می‌توان تقسیم‌بندی نمود اما می‌بایست توجه داشت که معیارهای موردنظر باید جامع باشد. روش انتخاب شده در این پژوهش با توجه به معیارهای متفاوتی صورت پذیرفته است، این پژوهش بر اساس معیار هدف در گروه پژوهش‌های کاربردی، بر اساس معیار زمان گردآوری داده‌ها در گروه پژوهش‌های پیمایشی، بر اساس معیار ماهیت داده‌ها و مبنای پژوهش یک پژوهش کمی، بر اساس معیار خصوصیات موضوع یا مسئله پژوهش یک پژوهش همبستگی یا همخوانی، بر اساس معیار انواع تحقیقات بر اساس نوع داده یک پژوهش با داده‌های دست‌اول، بر اساس معیار روش جمع‌آوری اطلاعات یک پژوهش میدانی با استفاده از تکنیک پرسشنامه و بر اساس معیار میزان ژرفایی یک پژوهش پهنانگر می‌باشد. اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته در حوزه کارکردهای اجتماعی دین (هویت دینی) و سازگاری فرهنگی قومیت‌ها می‌باشد که متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در بخش هویت دینی و سازگاری فرهنگی بر اساس یافته‌های تحقیقات پیشین در این زمینه می‌باشد. در بخش هویت بخشی دینی، دو مقوله مورد بررسی قرار گرفته است با عنوان‌های هویت دینی و هویت مدرن که هرکدام بخشی از نظام ارزشی و هنجار حاکم بر جامعه را می‌سازد (ذوالفقاری و دیگران، ۱۳۹۶) و در بخش سازگاری فرهنگی از چهار مولفه تمایلی، عادت‌ی، اجباری و هنجاری که بر اساس یک مطالعه کمی - کیفی به دست آمده است (قلانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸) استفاده گردید. طیف مورد استفاده در پرسشنامه این پژوهش، یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد. پایایی ابزار پژوهش نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده است که در جدول شماره (۱) آمده است. برای گویه‌های هویت دینی ۰/۹۴، برای گویه‌های هویت مدرن ۰/۷۴ و برای سازگاری فرهنگی ۰/۸۶ درصد به تأیید رسیده است. با توجه به این که همگی از ۰/۷۰ بیشتر هستند نشان از همبستگی درونی بالای گویه‌ها و مطلوب بودن آن‌ها دارد.

جدول (۱). محاسبه ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
سازگاری فرهنگی	۰/۸۶

۰/۷۴	تمایلی
۰/۷۲	عادتی
۰/۷۱	اجباری
۰/۷۵	هنجاری
۰/۹۴	هویت دینی
۰/۷۶	احساس تعلق به دین
۰/۹۳	تعلق به فرهنگ دینی
۰/۷۸	تعهد به اجتماع دینی
۰/۷۴	هویت مدرن
۰/۷۳	گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش معرفتی
۰/۷۶	گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش اجتماعی و سیاسی
۰/۷۵	ارزیابی اوضاع کشورهای غربی (گرایش به مدرنیسم)
۰/۷۴	هویت جهانی (بین‌المللی گرایی)

جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان توابع مناطق ۳، ۴ و ۵ شهرستان نجف‌آباد اصفهان می‌باشد، که بر اساس آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ میزان جمعیت این مناطق برابر است با ۲۸۴۱۱ هزار نفر. برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش از نرم افزار Spss Sample Power استفاده شده است که بر اساس شکل شماره (۱) میزان حجم نمونه مطلوب برای این پژوهش برابر با ۲۱۲ نفر برآورد گردیده است.



شکل شماره (۱) نمودار تعیین حجم نمونه در نرم افزار Spss Sample Power

در این پژوهش نمونه‌گیری، از نوع سهمیه‌ای است که سهمیه‌بندی مناطق بر اساس جمعیت منطقه و جمعیت قومیت‌های موجود در منطقه می‌باشد. ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات پر سشنامه این پژوهش نرم‌افزار آماری SPSS & AMOS می‌باشد. به‌منظور تعیین وجود یا عدم وجود رابطه یا تأثیر بین متغیرها و برآورد و تعمیم نتایج به‌دست‌آمده از حجم نمونه به جامعه آماری و هم‌چنین برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون پیرسون در قالب ماتریس همبستگی و مدل همبستگی استفاده شده است.

فرضیه‌هایی که در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرد، عبارت است از:

- ۱- میان سال‌های سکونت افراد مهاجر با میزان سازگاری فرهنگی ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- میان سن و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط مثبت معنی‌دار، وجود دارد.
- ۳- میان جنسیت و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط معنی‌داری، وجود دارد.
- ۴- میان وضعیت تاهل و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط معنی‌داری، وجود دارد.
- ۵- میان ارتباط با خویشاوندان و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط معنی‌داری، وجود دارد.
- ۶- میان هویت دینی و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط مثبت معنی‌دار، وجود دارد.
- ۷- میان هویت مدرن و میزان سازگاری فرهنگی ارتباط مثبت معنی‌دار، وجود دارد.

۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش با توجه به سوالات و مطالب مطرح شده یافته‌های تحقیق در قالب جدول ارائه می‌گردد. در این پژوهش ۱۳۷ نفر معادل ۶۴/۶ درصد از پاسخگویان در این پژوهش مرد و ۷۵ نفر معادل ۳۵/۴ درصد نیز زن بوده‌اند.

جدول (۲). آمار توصیفی مرتبط با سن پاسخگویان

متغیر سن	فراوانی	درصد	آماره‌ها	مقادیر
زیر ۳۰ سال	۷۱	۳۳/۵		
بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۹۱	۴۲/۹	میانگین سن	۳۴/۶۷
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۴۲	۱۹/۸	انحراف معیار	۹/۶۸
بیشتر از ۵۰ سال	۸	۳/۸	حداقل سن	۱۸
			حداکثر سن	۷۰
جمع	۲۱۲	۱۰۰		

توزیع فراوانی سن پاسخگویان در این پژوهش حاکی از آن است که ۷۱ نفر معادل ۳۳/۵ درصد از پاسخگویان در این پژوهش زیر ۳۰ سال، ۹۱ نفر معادل ۴۲/۹ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۲ نفر معادل ۱۹/۸ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۸ نفر معادل ۳/۸ درصد نیز سن خود را بیشتر از ۵۰ سال گزارش نموده‌اند. میانگین سن پاسخگویان در این پژوهش برابر با تقریباً ۳۵ سال، حداقل سن ۱۸ و حداکثر سن ۷۰ سال یافت شده است.

جدول (۳). آمار توصیفی مرتبط با میزان تحصیلات پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۳/۳	۷	در حد خواندن و نوشتن
۱۵/۱	۳۲	زیر دیپلم
۳۱/۶	۶۷	دیپلم
۱۶/۵	۳۵	فوق دیپلم
۲۴/۱	۵۱	لیسانس
۴/۹	۲۰	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۲۱۲	جمع

۷ نفر معادل ۳/۳ درصد از پاسخگویان در این پژوهش میزان تحصیلات در حد خواندن و نوشتن داشتند، ۳۲ نفر معادل ۱۵/۱ درصد زیر دیپلم، ۶۷ نفر معادل ۳۱/۶ درصد دیپلم، ۳۵ نفر معادل ۱۶/۵ درصد فوق دیپلم، ۵۱ نفر معادل ۲۴/۱ درصد لیسانس و ۲۰ نفر معادل ۹/۴ درصد نیز میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر گزارش نموده‌اند.

جدول (۴) آمار توصیفی مرتبط با شغل پاسخگویان

درصد	فراوانی	
۱۲/۳	۲۶	کارمند دولت
۱۲/۳	۲۶	کارمند بخش خصوصی
۱۱/۳	۲۴	خانه‌دار
۵/۷	۱۲	بیکار
۹/۴	۲۰	کارگر
۴۹/۱	۱۰۴	سایر
۱۰۰	۲۱۲	جمع

۲۶ نفر معادل ۱۲/۳ درصد پاسخگویان در این پژوهش شغل خود را کارمند دولت، ۲۶ نفر معادل ۱۲/۳ درصد کارمند بخش خصوصی، ۲۴ نفر معادل ۱۱/۳ درصد خانه‌دار، ۱۲ نفر معادل ۵/۷ درصد بیکار، ۲۰ نفر معادل ۹/۴ درصد کارگر و ۱۰۴ نفر معادل ۴۹/۱ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب نموده‌اند.

جدول (۵) آمار توصیفی مرتبط با میزان درآمد پاسخگویان

مقادیر	آماره‌ها	درصد	فراوانی	
۳۴۰۰۰۰۰		۷/۱	۱۵	کمتر از ۱ میلیون تومان
۳۶۷۰۰۰	میانگین درآمد	۳۲/۱	۶۸	بین ۱ تا ۲ میلیون تومان

۵۰۰۰۰۰	انحراف معیار	۳۰/۷	۶۵	بین ۲ تا ۳ میلیون تومان
۳۵۰۰۰۰۰۰	حداقل درآمد	۱۳/۷	۲۹	بین ۳ تا ۴ میلیون تومان
	حداکثر درآمد	۸/۵	۱۸	بین ۴ تا ۵ میلیون تومان
		۸	۱۷	بیشتر از ۵ میلیون تومان
		۱۰۰	۲۱۲	جمع

درآمد پاسخگویان در این پژوهش ۱۵ نفر معادل ۷/۱ درصد کمتر از ۱ میلیون تومان، ۶۸ نفر معادل ۳۲/۱ درصد بین ۱ تا ۲ میلیون تومان، ۶۵ نفر معادل ۳۰/۷ درصد بین ۲ تا سه میلیون تومان، ۲۹ نفر معادل ۱۳/۷ درصد بین ۳ تا ۴ میلیون تومان، ۱۸ نفر معادل ۸/۵ درصد بین ۴ تا ۵ میلیون تومان و ۱۷ نفر معادل ۸ درصد درآمد خود را بیشتر از ۵ میلیون تومان گزارش نموده‌اند. میانگین درآمد پاسخگویان در این پژوهش برابر با تقریباً ۳۴۰۰۰۰۰، حداقل درآمد ۵۰۰۰۰۰۰ تومان و حداکثر درآمد ۳۵۰۰۰۰۰۰ تومان گزارش شده است.

جدول (۶) آمار توصیفی مرتبط با مدت اقامت در شهر نجف‌آباد پاسخگویان

مقادیر	آماره‌ها	درصد	فراوانی	
۲۵/۶۲	میانگین مدت اقامت	۱۳/۲	۲۸	کمتر از ۱۰ سال
۱۲/۱۳	انحراف معیار	۲۵/۵	۵۴	بین ۱۰ تا ۲۰ سال
۱	حداقل مدت اقامت	۲۸/۸	۶۱	بین ۲۰ تا ۳۰ سال
۶۰	حداکثر مدت اقامت	۳۲/۵	۶۹	بیشتر از ۳۰ سال
		۱۰۰	۲۱۲	جمع

۲۸ نفر معادل ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان مدت اقامت خود را در شهر نجف‌آباد کمتر از ۱۰ سال گزارش کرده‌اند، ۵۴ نفر معادل ۲۵/۵ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۶۱ نفر معادل ۲۸/۸ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۶۹ نفر معادل ۳۲/۳۲۵ درصد نیز مدت اقامت خود را در شهر نجف‌آباد بیشتر از ۳۰ سال گزارش نموده‌اند. میانگین مدت اقامت در این پژوهش تقریباً برابر با ۲۵/۵ سال و حداقل مدت اقامت ۱ سال و حداکثر مدت اقامت ۶۰ سال گزارش شده است.

جدول (۷). یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پاسخگویان

متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف تی معیار	سطح معنی‌داری
سازگاری فرهنگی	۴۲	۴۴/۸۳	۱۰/۶۷	۰/۰۰۰
تمایلی	۱۵	۱۲/۸۹	۳/۷۹	۰/۰۰۰
عادت‌ی	۱۲	۱۱/۹۳	۲/۹۲	۰/۰۰۰

اجباری	۱۲	۱۰/۷۹	۳/۶۰	۴۳/۶۰	۰/۰۰۰
هنجاری	۹	۹/۲۱	۲/۶۰	۵۱/۴۲	۰/۰۰۰
هویت دینی	۳۳	۳۵/۳۵	۳۵/۳۵	۴۴/۳۶	۰/۰۰۰
احساس تعلق به دین	۹	۹/۵۳	۹/۵۳	۳۸/۳۴	۰/۰۰۰
تعلق به فرهنگ دینی	۱۸	۱۹/۶۹	۱۹/۶۹	۴۳/۰۱	۰/۰۰۰
تعهد به اجتماع دینی	۶	۶/۱۲	۶/۱۲	۳۹/۵۵	۰/۰۰۰
هویت مدرن	۳۶	۳۹/۹۰	۷/۹۰	۷۳/۴۶	۰/۰۰۰
گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش معرفتی	۹	۹/۹۹	۳/۰۲	۴۸/۰۴	۰/۰۰۰
گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش اجتماعی و سیاسی	۱۲	۱۲/۸۹	۳/۷۵	۵۰/۰	۰/۰۰۰
ارزیابی او ضاع کشورهای غربی (گرایش به مدرنیسم)	۶	۶/۴۳	۱/۶۳	۵۷/۴۳	۰/۰۰۰
هویت جهانی (بین‌المللی گرایی)	۹	۱۰/۵۸	۲/۵۰	۶۱/۴۶	۰/۰۰۰

بر اساس جدول (۷) می‌توان نتیجه گرفت توزیع آماری نمونه پژوهش نرمال است و میانگین واقعی میزان سازگاری فرهنگی (۴۴/۸۳) از میانگین طیف (۴۲) در سطح نمونه و جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط است. از طرفی دیگر تمامی ابعاد سازگاری فرهنگی نیز بالاتر از سطح متوسط است. همچنین نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد میانگین استخراج شده متغیرهای هویت دینی و ابعاد آن در سطح نمونه و جامعه آماری با اطمینان ۹۹ درصد به صورت تصادفی نیست و بالاتر از سطح متوسط است.

۱.۴. یافته‌های استنباطی

جدول شماره (۸) آزمون تی جهت مقایسه میزان سازگاری فرهنگی در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	تی	سطح معنی داری
جنس	مرد	۱۳۷	۴۶/۵۶	۳/۵۰	۰/۰۰۱
	زن	۵۷	۴۱/۶۸		
وضعیت تأهل	مجرد	۸۵	۴۴/۴۳	-۰/۶۰۲	۰/۵۶۰
	متاهل	۱۱۷	۴۵/۳۵		
رابطه خویشاوندی	بلی	۹۵	۴۶/۹۴	۲/۶۳	۰/۰۰۹
	خیر	۱۱۷	۴۳/۱۱		

خروجی جدول فوق نشان می‌دهد میانگین میزان سازگاری فرهنگی در بین مردان بیشتر از زنان است که سطح معنی‌داری ($Sig = 0/001$) بیان‌کننده غیر تصادفی بودن و معناداری این فرضیه است. همچنین میانگین میزان سازگاری فرهنگی کسانی که دارای رابطه خویشاوندی هستند بسیار بیشتر از پاسخگویانی می‌باشد که رابطه خویشاوندی ندارند. این نتیجه با توجه به سطح معنی‌داری ($Sig = 0/009$) غیر تصادفی و معنی‌دار می‌باشد. ولی تفاوت معنی‌داری بین سازگاری فرهنگی پاسخگویان مجرد و متأهل وجود ندارد.

برای بررسی رابطه سایر متغیرهای مستقل تحقیق با میزان سازگاری فرهنگی و با توجه به این‌که این متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول صفحه بعدی گزارش شده است:

جدول (۹) ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد هویت دینی و ابعاد سازگاری فرهنگی

سازگاری فرهنگی	تمایلی	عادتی	اجباری	هنجاری	
۰/۳۴۰**	۰/۲۸۵**	۰/۵۳۵**	۰/۱۶۰*	۰/۳۵۸**	هویت دینی
۰/۳۲۹**	۰/۲۵۴**	۰/۳۲۶**	۰/۱۹۵**	۰/۳۴۲**	احساس تعلق به دین
۰/۳۰۸**	۰/۲۶۵**	۰/۳۳۴**	۰/۱۱۵	۰/۳۳۹**	تعلق به فرهنگ دینی
۰/۳۱۱**	۰/۲۷۴**	۰/۳۰۷**	۰/۱۷۲*	۰/۲۹۰**	تعهد به اجتماع دینی
** معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۱		* معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۵			

در جدول ۹ نتایج آزمون همبستگی بین متغیرها بیانگر این است. بین هویت دینی و ابعاد آن با سازگاری فرهنگی و ابعاد آن به (جزء بُعد تعلق به فرهنگ دینی، هویت دینی با بُعد اجباری در سازگاری فرهنگی) همبستگی مستقیم مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/001$).

بر اساس یافته‌های جدول مزبور، هویت دینی بیشترین و کمترین همبستگی را به ترتیب با بعد عادتی ($r = 0/535$) و اجباری ($r = 0/160$) دارد. همچنین هویت دینی (بعد تعلق به فرهنگ دینی) بیشترین همبستگی را با سازگاری فرهنگی (بعد هنجاری) ($r = 0/339$) و تعهد به اجتماع دینی کمترین همبستگی را با بعد اجباری ($r = 0/172$) داشته است. با توجه به نتایج این جدول می‌توان چنین نتیجه گرفت که با احتمال ۹۹٪ بین هویت دینی و سازگاری فرهنگی ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد و بر این اساس فرضیه مربوط به ارتباط میان هویت دینی و سازگاری فرهنگی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول (۱۰) ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین هویت مدرن و ابعاد آن با سازگاری فرهنگی و ابعاد آن

سازگاری فرهنگی	تمایلی	عادتی	اجباری	هنجاری	
هویت مدرن	۰/۰۶۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۹۶	۰/۰۸۶	۰/۰۳۴
گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش معرفتی	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۰	-۰/۰۲۴
گرایش به ارزش‌های بنیادی مدرنیته در بخش اجتماعی و سیاسی	۰/۰۱۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۲۱	۰/۰۸۰	-۰/۰۰۴
ارزیابی اوضاع کشورهای غربی	۰/۰۶۸	-۰/۰۰۳	۰/۱۴۷*	۰/۰۳۷	۰/۰۵۷
هویت جهانی	۰/۱۲۹	۰/۰۵۲	۰/۱۹۷*	۰/۰۸۹	۰/۱۰۵

نتایج آزمون همبستگی در جدول ۱۰ بین متغیرهای بیانگر این است. بین هویت مدرن با سازگاری فرهنگی رابطه معنادار وجود ندارد. از طرفی تنها بین دو از بُعد هویت مدرن (ارزیابی اوضاع کشورهای غربی) و بعد هویت جهانی با بعد عادی سازگاری فرهنگی به ترتیب با مقدار ($I=0/147$) و ($I=0/197$) همبستگی مستقیم مثبت و معنی دار بدست آمد ($p<0/01$).

جدول (۱۱) ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای مستقل با سازگاری فرهنگی و ابعاد آن

سازگاری فرهنگی	تمایلی	عادتی	اجباری	هنجاری	
هویت دینی	۰/۳۴۰**	۰/۲۸۵**	۰/۳۵۳**	۰/۱۶۰*	۰/۳۵۸**
هویت مدرن	۰/۰۶۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۹۶	۰/۰۸۶	۰/۰۳۴
سن	۰/۱۹۵**	۰/۲۲۸**	۰/۱۴۵*	۰/۱۳۰	۰/۱۲۱
میزان سال سکونت	۰/۲۳۱**	۰/۱۸۳**	۰/۲۷۵**	۰/۰۹۰	۰/۲۴۴**

** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ * معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

نتایج آزمون همبستگی در جدول (۱۱) بین متغیرها بیانگر این است. بین سازگاری فرهنگی و ابعاد آن با متغیرهای مستقل میزان هویت دینی، سن و میزان سال سکونت همبستگی مستقیم مثبت و معنی داری وجود دارد ($p<0/01$). از طرفی بین سازگاری فرهنگی و ابعاد آن با هویت مدرن ارتباط معناداری یافت نگردید. بر اساس یافته‌های جدول مزبور، سازگاری فرهنگی بیشترین و کمترین همبستگی را به ترتیب با هویت دینی ($I=0/340$) و سن پاسخگویان ($I=0/195$) دارد.

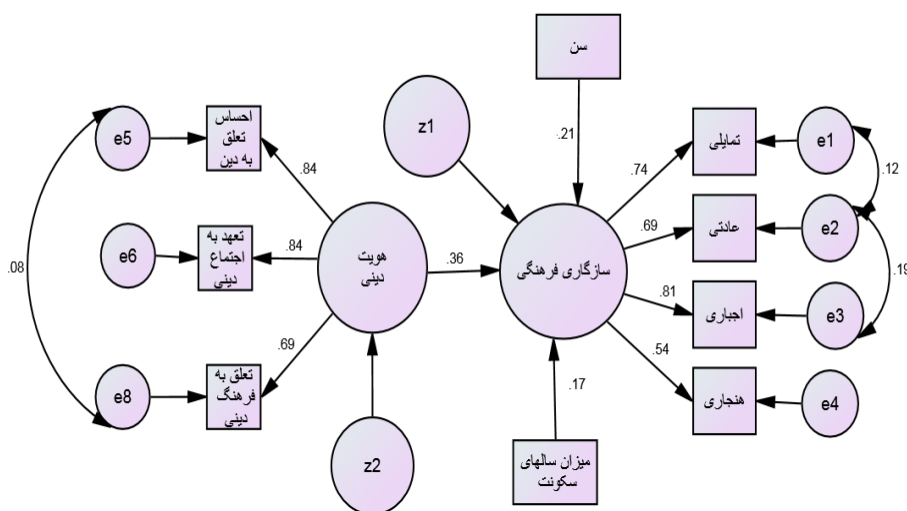
جدول (۱۲) ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای مستقل با سازگاری فرهنگی و ابعاد آن

سازگاری فرهنگی	هویت دینی	هویت مدرن	سن	میزان سال سکونت
سازگاری فرهنگی	۱			
هویت دینی	۰/۳۴۰**	۱		
هویت مدرن	۰/۰۶۱	-۰/۴۱۸**	۱	
سن	۰/۱۹۵**	۰/۰۷۴	-۰/۲۱۶**	۱
میزان سال سکونت	۰/۲۳۱**	۰/۰۶۱	۰/۳۵۲**	۱

** معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ * معنی دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

نتایج آزمون همبستگی در جدول (۱۲) بین متغیرها بیانگر این است. بین میزان هویت دینی، سن و میزان سال سکونت با سازگاری فرهنگی همبستگی مستقیم مثبت و معنی داری وجود دارد ($p < /0.01$). از طرفی بین هویت مدرن با سازگاری فرهنگی ارتباط معناداری یافت نگردید. همچنین بر اساس یافته‌های جدول مزبور رابطه بین سن با هویت مدرن و رابطه بین هویت مدرن با هویت دینی همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد ($p < /0.01$). هر اندازه هویت مدرن بیشتر، هویت دینی کمتر و هر اندازه سن افزایش یافته است هویت مدرن کمتر می‌باشد.

در ادامه از مدل‌سازی معادلات ساختاری با به کارگیری نرم‌افزار آموس استفاده شد. روند کار به این صورت بود که ابتدا الگوی اندازه‌گیری متغیر سازگاری فرهنگی براساس نمرات عاملی متغیرهای تشکیل دهنده آن محاسبه و برازش آن با استفاده از شاخص‌های اصلاح نرم‌افزار به حداکثر ممکن رسانیده شد. الگوی اندازه‌گیری ابعاد مختلف متغیرهای هویت دینی، سن، میزان سالهای زندگی نیز بر اساس گویه‌های موجود در پرسشنامه به بهترین برازش ممکن رسید. سپس برای آزمون فرضیه‌ها روابط ساختاری بین عامل‌های مکنون اندازه‌گیری شدند. در ادامه مدل زیر ارائه شده است.



شکل (۲) مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر سازگاری فرهنگی

جدول (۱۳). شاخص‌های برازش الگو

شاخص	CMIN/DF	TLI	CFI	PNFI	PCFI	RMSEA
دامنه پذیرش	۵-۱	۰/۱-۹۰	۰/۱-۹۰	۰/۱-۵۰	۰/۱-۵۰	۰-۰/۰۸
الگو	۳/۷۱	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۷۲۴	۰/۷۳۶	۰/۰۷۹

شاخص‌های برازش الگو در جدول (۱۳) نشان‌دهنده برازش مناسب الگو است. با توجه به اینکه متغیر هویت مدرن بر متغیر سازگاری فرهنگی تأثیرگذار نبودن از مدل حذف گردید. بتای به دست آمده در الگو معنادار بودن اثر هویت دینی بر سازگاری فرهنگی به میزان ۰/۳۶ و سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین "بتای" اثر سن بر سازگاری فرهنگی به میزان ۰/۲۱ با سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود و در نهایت اثر میزان سالهای زندگی بر سازگاری فرهنگی به میزان ۰/۱۷ و سطح معناداری آن ($p < ۰/۰۰۱$)، فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. با افزایش هویت دینی، سن و میزان سالهای زندگی میزان سازگاری فرهنگی افزایش می‌یابد. بر اساس این مدل متغیرهای مستقل ۷۱ درصد تغییرات واریانس سازگاری فرهنگی را تبیین می‌کنند.

در این پژوهش به دنبال مطالعه پیرامون ارتباط عوامل مؤثر بر سازگاری فرهنگی بودیم. عامل اصلی که به عنوان عامل اساسی در حوزه سازگاری فرهنگی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، بحث هویت دینی است. ارزش‌های مشترک یکی از عواملی است که باعث ایجاد سازگاری فرهنگی می‌گردد و این ارزش‌های مشترک در درون جامعه‌ای مانند ایران در قالب هویت دینی متبلور می‌شود. نتایج و یافته‌های حاصل در این مقاله با یافته‌ها و نتایج برخی از تحقیقات هماهنگی داشت و برخی دیگر را نقض نمود. اولین نتیجه حاصل در این تحقیق اثبات پایایی طیف‌های مورد اندازه‌گیری بود. طیف‌هایی که برای هویت دینی (ذوالفقاری، ۱۳۹۶) و سازگاری فرهنگی (قلانی، ۱۳۹۸) مورد استفاده قرار گرفته، طیف‌هایی بوده است که توسط برخی از محققین ساخته و مورد استفاده قرار گرفت و در این پژوهش، دوباره از این طیف‌ها استفاده شده که بر اساس جدول شماره (۱) در این پژوهش نیز از قابلیت اعتماد مورد نیاز برخوردار بود و پایایی آن مورد تأکید دوباره قرار گرفته است.

یکی از یافته‌های دیگر این تحقیق نشان دهند این نکته است که جنسیت در سازگاری فرهنگی افراد تأثیر دارد این یافته با یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیشین در این زمینه هم‌خوانی دارد (Canan, 2019) به صورتی که مردان بیشتر از زنان در این تحقیق دارای سازگاری فرهنگی بوده‌اند. اما باید به این نکته نیز توجه کرد که فرهنگ‌های خاص قومیت‌ها در بسیاری از مواقع مبتنی بر نگاه جامعه سنتی و مبتنی بر فرهنگ مرد سالار است از این میزان ارتباطات زنان در چنین فضاهایی بسیار کمتر از مردان است و بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان این فرض را پذیرفت که سطح ارتباطی زنان در قومیت‌های مورد مطالعه با جامعه میزبان به صورت معناداری کمتر از مردان است (مراجعه شود به جدول ۸). یکی دیگر از یافته‌های خاص این تحقیق به این نکته مربوط می‌گردد که به رابطه درون قومیت‌ها با سازگاری فرهنگی ارتباط معناداری دارد به صورتی که هر افرادی که دارای ارتباطی خویشاوندی هستند بیشتر دارای سازگاری فرهنگی با جامعه میزبان می‌باشند (جدول ۸) که این تحقیق با نتایج برخی از تحقیقات داخلی (حقیقتیان و دیگران، ۱۳۸۷) و برخی تحقیقات خارجی (Mollenhorst et al, 2015) هم‌پوشانی دارد. آن چه که در این میان انتظار می‌رود این نکته است که گروه‌های قومیتی برای سازگاری با جامعه میزبان می‌باید ارتباط خود را با قومیت و جامعه مبدأ خود کمتر نمایند و یا قطع کنند و این در حالی است که ظاهراً این ارتباط حداقل در سطح ارتباطات خویشاوندی کاهش یافته اما افرادی که ارتباط خویشاوندی خود را حفظ کرده‌اند روند سازگاری فرهنگی بهتری را نشان می‌دهند. این امر نشان دهنده این نکته است که فرایند ارتباطات درون قومیتی شاید احساس انزواء فرد را کاهش می‌دهد و از این رو، سازگاری افراد را با جامعه میزبان افزایش خواهد داد.

فرضیه اصلی این پژوهش بر رابطه مثبت میان هویت دینی و سازگاری فرهنگی، مبتنی بود. این فرضیه با توجه به آزمون‌های انجام شده مورد تأیید قرار گرفت (جدول شماره ۹). این نتیجه با نتیجه برخی از تحقیقات در این زمینه هم‌پوشانی داشت (رزازی‌فر، ۱۳۷۹). اما در این جا چند مسئله وجود دارد که نیاز است به آن توجه شود؛ اولین مسئله بحث تطبیق‌پذیری دین و مذهب جامعه میزبان با مهاجران است. هر چند در طول تاریخ از مهاجران با گرایش‌های مذهبی مخالف با جامعه میزبان، استقبال به عمل آمده است (Connor, 2010)، اما در تحقیقات اخیر به نتایجی بر می‌خوریم که نشان دهنده نوعی مواجهه منفی نسبت به مهاجران با گرایش دینی غیر هم سو با جامعه میزبان است (Sezgin, 2018 and Canan, 2021)، به این واسطه نتایج به دست آمده

را باید با احتیاط مورد پذیرش قرار داد و بر این نکته پا فشرده که هویت دینی وقتی می‌تواند در حوزه سازگاری فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد که یا دین و مذهب دو گروه مهاجر و میزبان با یکدیگر هم سو باشد و یا مهاجران نوعی دیدگاه سکولاری را در ارتباط با دین در جامعه میزبان برگزینند و حضور نگاه دینی را بیشتر امری فردی و خصوصی بدانند (Driezen et al, 2021) و یا این که جامعه میزبان دارای تسامح فرهنگی باشد که البته این تسامح معمولاً نسبت به مذاهب یک دین امری است پذیرفته شده ولی نسبت به ادیان دیگر و به ویژه دین اسلام در غرب با مشکلاتی همراه است.

نتیجه دیگری که در این پژوهش به دست آمد رد شدن این فرضیه بود که میان هویت مدرن و سازگاری فرهنگی ارتباط معناداری وجود دارد؛ بر اساس مطالب یافته‌های این تحقیق این فرضیه رد گردید (جدول شماره ۱۰)، دلیل این امر را می‌توان در بحث فضای حاکم بر قومیت‌ها جستجو کرد. گروه‌های قومی و به ویژه کسانی که از آنان به عنوان نسل اول مهاجرین نام برده می‌شوند به شدت به فرهنگ جامعه مبدأ وابسته هستند (Cobb et al, 2021) ولی در میان جوانان و مهاجران نسل دوم کمتر می‌توان این مسئله را مشاهده کرد (Berry & Sabatier, 2010)، از همین رو هویت مدرن که بر اساس مؤلفه‌های فردگرایی استوار شده است بیشتر در میان جوانان مهاجر و یا مهاجران نسل دوم و سوم دیده می‌شود و مهاجران نسل اول که همان والدین هستند به فرهنگ قومی و جمعی خود بیشتر وفادار می‌باشند؛ تناقضی که در این میان ایجاد می‌شود این است که جامعه میزبان از مهاجران انتظار نوعی ادغام در فرهنگ جامعه میزبان را دارند که نماد یک هویت و یا ارزش‌های جمع‌گرایانه است که با هویت مدرن چندان تناسب ندارد، از سوی دیگر جوانان یا مهاجران نسل دوم و سوم به سمت هویت مدرن که مبتنی بر فردگرایی است می‌روند در این حالت سازگاری این افراد با جامعه میزبان بیشتر خواهد شد. این تناقض به این صورت قابل پاسخ‌گویی است که باید فرهنگ جامعه میزبان مورد توجه قرار گیرد در صورتی که فرهنگ جامعه حامل ارزش‌های فردی و هویت مدرن است در این جا جوانان و نسل دوم و سوم مهاجران به راحتی می‌توانند یک نوع سازگاری را با جامعه میزبان به دست بیاورند در غیر این صورت اگر جامعه میزبان دارای فرهنگ جمع‌گرایی باشد و چندان با ارزش‌های مدرن و هویت مدرن سازگار نباشد مهاجرین و به ویژه نسل اول مهاجرین می‌توانند با چنین فرهنگی سازگاری پیدا کنند البته با این شرط که دوچار دوگانگی هویتی نشوند، یعنی میان فرهنگ قومی خود و فرهنگ جامعه میزبان نتوانند دست به انتخاب زده (C'ardenas et al, 2021) و نتوانند سازگاری با فرهنگ جامعه میزبان را به دست بیاورند. در این جا باید برای تکمیل علت چرایی رد شدن فرضیه تأثیر هویت مدرن بر سازگاری فرهنگی به دو متغیر دیگر نیز توجه کرد بر اساس اطلاعات جدول شماره (۱۱) دو متغیر سن و میزان سال‌های سکونت بر روی سازگاری فرهنگی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند و می‌توان از این بخش نتیجه گرفت که با افزایش سن و میزان سال‌های سکونت، میزان سازگاری فرهنگی نیز افزایش می‌یابد؛ این نتیجه با نتایج تحقیقات (حقیقتیان، ۱۳۸۷) قبلی مشابهت دارد. از این رو مهاجران نسل اول احتمال پذیرش فرهنگ جامعه میزبان را به میزان بیشتری دارا می‌باشند و با توجه به اطلاعات جدول شماره (۱۲) می‌توان چنین نتیجه گرفت که جوانان بیشتر به سوی هویت مدرن تمایل دارند و از این رو تمایل به هویت مدرن موجب شده است که میزان هویت دینی در نزد این گروه کاهش یابد، پس در میان جوان مهاجر مورد مطالعه در این پژوهش نمی‌توان چندان انتظار تأثیر هویت دینی را بر روی سازگاری فرهنگی داشت و نیاز است در مورد این گروه به صورت خاص تحقیقاتی صورت گیرد تا مشخص شود شاخص‌ها و متغیرهایی که بروی سازگاری فرهنگی

این گروه تأثیرگذار است چه می‌باشد. در مجموع عنصر هویت دینی به عنوان یکی از عناصر کارکردی دین می‌توانند در جامعه‌هایی که دارای گوه‌های قومی متنوع باشد ایجاد سازگاری فرهنگی نماید و به عنوان یک عنصر تأثیرگذار شناخته شود.

- احمدی، حمید (۱۳۹۳). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران: نشرنی، چاپ یازدهم.
- ادگار، اندرو، سچ و یک، پیتر (۱۳۸۹). متفکران برجسته نظریه فرهنگی، ترجمه نبوی، محمد و خیرخواه، مسعود، تهران: نشر آگه.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۹۴). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- حرمی زاد، آمنه (۱۳۹۴). برخی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری فرهنگی قومیت‌ها با فرهنگ عمومی جامعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه الزهرا.
- حقیقتیان، منصور؛ غضنفری، احمد؛ تقوی، سید عبدالرسول (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۵۴، صص ۶۳ تا ۸۰.
- خدایاری فرد، محمد، رحیمی نژاد، عباس (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ مشکینی، قاسم و صالحی، مجید (۱۳۹۶). مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی دین و شاخص‌سازی آن‌ها (در بین دانشجویان دانشگاه تهران و شاهد)، دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۹۱-۱۰۹.
- رزازی فر، افسر (۱۳۷۹). الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران (با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، سال ۵، صص ۱۳۳-۱۰۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). همسازی و تعارض در هویت و قومیت، تهران: نشر گل‌آذین.
- فیوشت، اینیر و رپستا، پل (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی دین (رویکردهای کلاسیک و معاصر)، ترجمه اکبر احمدی، تهران: انتشارات تمدن علمی.
- قلانی، نسرین (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی میزان سازگاری دیاسپوراها در ایران با تأکید بر مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی (مورد مطالعه استان اصفهان)، پایان‌نامه مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی فرهنگی، دهقان: دانشگاه آزاد.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۸). شهروندی چند فرهنگی (نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها)، ترجمه ابراهیم اسکافی، تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما، چاپ دوم.
- مالشویچ، سنیسا (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پرویز دلیرپور، چاپ چهارم، تهران: نشر کتاب‌آمه.
- میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۹۹). ناسیونالیسم و قومیت در ایران (مطالعه‌ای تجربی)، تهران: نشر آگه.
- ویمر، آندره‌اس (۱۳۹۶). مرزبندی قومیتی (نهادهای قدرت و شبکه‌ها)، ترجمه محمدرضا فدایی، تهران: انتشارات شیرازه کتاب‌ما.

Abu-Laban, Yasmeeen and Stasiulus, Daiva(1992),"Ethnic Pluralism under Siege: Popular and Partisan Opposition to Multiculturalism" *Canadian Public Policy*, 18/4.

Ammerman, Nancy T. (2003), "Religious Identities and Religious Institutions" in Michele Dillon(ed), *Handbook of the Sociology of Religion*, Cambridge University Press.

Berry, J. W., & Sabatier, C. (2010). Acculturation, discrimination, and adaptation among second generation immigrant youth in Montreal and Paris. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(3), 191–207.

Berry, John W. Ype H. Poortinga, Marshall H. Segall, and Pierre R. Dasen. (2002). *Cross Culturall Psychology: Research and Applications*. 2Th Edition. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

C'ardenas, Diana; Verkuyten, Maykel and Fleischmann, Fenella (2021). You are too ethnic, you are too national": Dual identity denial and dual identification, *International Journal of Intercultural Relations*, 81 (3), 193–203.

Canan, C. (2019). The Moderating Role of Group Identification in Perceptions of Diversity—Exemplified by a Vignette Analysis of Diversely Characterized Muslims in Germany. *Journal of International Migration and Integration*, 22(1), 123–144.

Canan, C. (2021). The Moderating Role of Group Identification in Perceptions of Diversity—Exemplified by a Vignette Analysis of Diversely Characterized Muslims in Germany. *Int. Migration & Integration* 22, 123–144.

Cobb, C. L., Martínez, C. R., Jr., Lee, S., Lee, T. K., & Lorenzo-Blanco, E. I. (2021). Acculturation trajectories differ by youth age at arrival and time in residency among Latino immigrant families in a US emerging immigrant context. *International Journal of Intercultural Relations*, 81, 79–93.

Connor, P. (2010). Contexts of immigrant receptivity and immigrant religious outcomes: the case of Muslims in Western Europe. *Ethnic and Racial Studies*, 33(3), 376–403.

Driezen, A., Verschraegen, G., & Clycq, N. (2021). Negotiating a contested identity: Religious individualism among Muslim youth in a super-diverse city. *International Journal of Intercultural Relations*, 82, 25–36.

Galston, William (1991), *Liberal Purposes: Gods, Virtues, and Duties in the Liberal State*, Cambridge: Cambridge University Press.

Glazer, Nathan (1975), *Affirmative Discrimination: Ethnic Inequality and Public Policy*, New York.

Mollenhorst, G., Edling, C., & Rydgren, J. (2015). Psychological well-being and brokerage in friendship networks of young Swedes. *Social Indicators Research*, 123(3), 897–917.

Norman, W.J(1994), "Towards a Normative Theory of Federalism" in Judith Baker, *Group Rights*, Toronto: University of Toronto Press.

Phillip Connor (2010) Contexts of immigrant receptivity and immigrant religious outcomes: the case of Muslims in Western Europe, *Ethnic and Racial Studies*, 33:3, 376-403.

Rawls, John (1980), "Kantian Constructivism in Moral Theory", *Journal of Philosophy*, 77/ 9.

Reitz, Jeffrey and Breton, Raymond (1994), *The Illusion of Difference: Realities of Ethnicity in Canada and the United States*, Ottawa: C.D. Howe Institute.

Rorty, Richard (1991), *Objectivism, and Truth: Philosophical Papers I*, Cambridge: Cambridge University Press.

Sachedina, Abdulaziz (2001), *The Islamic Roots of Democratic Pluralism*, New York: Oxford University Press.

Sandel, Michael (1990), "Freedom of Conscience or Freedom of Choice" in James Hunter and O. Guinness, *Articles of Faith, Articles of Peace*, Washington, DC: Brookings Institute.

Sezgin, Z. (2018). Islam and Muslim Minorities in Austria: Historical Context and Current Challenges of Integration. *Journal of International Migration and Integration*, 20(3), 869–886.

Sit, Alison, Mak, Anita S. and Neill, James T. (2017), Does cross-cultural training in tertiary education enhance cross-cultural adjustment? A systematic review, *International Journal of Intercultural Relations* 57, pp 1–18.